

ندای سرخ را بخوانید و در میان مردم پخش کنید

4 بعداز ظهر

**کریمخان زند، مقابل دفتر روزنامه اعتماد ملی!
شرکت شما، حمایت از آزادی است!**

راه معلوم است - بپاخیزیم

دیگر چه کسی شک دارد که معنی اصلاحات چیزی غیر از اصلاح "قانون اساسی" نیست!

در حالیکه "رهبری" در قانون اساسی اختیارات فراوان و بی حساب و کتابی دارد و به هیچ فرد و نهادی هم پاسخگو نیست، چگونه این وضع برای ملت ایران می تواند قابل تحمل باشد!؟

در اختیار داشتن فرماندهی کل قوا، تعیین ریاست قوه قضائیه، تعیین ریاست صدا و سیما، تعیین فقهای شورای نگهبان، تعیین فرمانده نیروی انتظامی، تعیین فرمانده سپاه و تعیین فرماندهان نظامی فقط بخشی از اختیارات رهبری است. داوطلبان کاندید در انتخابات مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری هم توسط شورای نگهبانی تعیین میگردند که همه فقهای آن توسط رهبری تعیین می شوند و نتیجه آن رئیس جمهور و مجالس فرمایشی است. حال با این قانون و با این اختیارات مطلقه و عدم پاسخگویی - بدیهی است هر کس را در این مسئولیت بگماریم فاسد و دیکتاتور می شود و عدالت از او گرفته می شود؟! البته آقای خامنه ای با توجه به احوال، سوابق، رفتار و نقش گذشته ایشان طبیعی است که استعدادشان برای دیکتاتوری بیشتر از حد متعارف است و می بینیم که کشور را با رفتاری امنیتی به بحران و جریانی خطرناک کشانده و آرامش را از مردم سلب کرده است. کودتای انتخاباتی اخیر نیز با توجه به اختیارات فراوان و بی حساب با اراده ایشان بوده است - زیرا روشن بود حضور مهندس موسوی می تواند حداقل یکی از فسادهای مالی دولت نهم را که با حمایت رهبری نهادهای تصمیم گیری را منحل کرده و ده ها میلیارد دلار را برای باصطلاح "رهبری مسلمین جهان" هزینه کرده است آشکار سازد.

فردی که خودکامگی و غرور در او لبریز شده و از کشتن فرزندان این کشور که در همین وقایع اخیر عده زیادی در کف خیابان ها و زندان ها به شهادت رسیده اند ابائی ندارد و از زندان کردن صدها انسان پاک سرشت و نخبگانی که جز تلاش برای آزادی انسان ها گناهی ندارند خم به ابرو نیاورده است.

حقیقت این است که دین و اخلاق در کشورمان سقوط کرده و همه به ستوه آمده اند و آقای خامنه ای را برای ادامه رهبری ساقط میدانند. اما شرایط به گونه ای است که عده ای بی اطلاع از عمق فاجعه و عده ای نیز به دلیل تعلقات صنفی و منافع مادی سکوت کرده اند و تعدادی نیز از ترس جانیشان دم بر نمی آورند. آنانی که فارغ از تعلقات و تعصبات صنفی بر حسب تکلیف داد می زنند محدود یا در بندند. اما ما توده های مردم هستیم که باید همه افراد مؤثری را که به هر دلیل نمی توانند تحرکی داشته باشند به تحرک وا داریم - که تنها و بهترین و ساده ترین راه ادامه این جنبش بدون تردید بانک شعرهای شبانه، تظاهرات خیابانی به هر بهانه و شعارنویسی است که می تواند راه را برای تغییر سرعت بخشد و موجب فرسایش سریع حکومت شود. از بعضی صدمات نباید بهراسیم-کشوری که در آن سالانه قریب 30 هزار نفر فقط در تصادفات جاده ای جان خود را از دست می دهند افتخار بزرگی است که خونمان برای آزادی و استقلال و نجات نسل آینده این کشور بر زمین بریزد. هر چند باید تلاش کنیم همه این راه را بدون کمترین آسیبی به پیش ببریم. نترسیم که حکومت برای جلوگیری از حضور ما نیروهای خودش را به خیابانها می آورد، بهرحال ما هستیم که تصمیم می گیریم و می گوییم یا بیایید و یا اگر نیامدید ما می آییم. در هر صورت هر دوی این حضور بواسطه اراده ماست.

«سبز دل»